

# درس هشتاد و پنجم – نگاهی به فعل lesen و پیشندهای آن

سلام دوستان در این درس می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به فعل lesen به همراه پیشندهای آن ، همانطور که در درس های گذشته گفته ام ، در زبان آلمانی هر کاری ، فعل مخصوص به خودش را دارد، حال در این درس می خواهیم فعل lesen و پیشندهای آنرا مورد بررسی قرار دهیم.

lesen

خواندن ، مطالعه کردن ، تدریس کردن ، درس دادن ، دریافتن ، دانستن ، شناختن ، فهمیدن ، خوشه چیدن ، گرد آوردن  
محصول

گذشته ساده : lasen

گذشته کامل : haben gelesen

در این درس تمرکز ما به روی مفهوم خواندن یا مطالعه کردن در فعل lesen است!

نکته : در تفکر فارسی یا زبان فارسی ، ما معمولا فعل خواندن را می آیم با یک سری اسم ترکیب می کنیم و از آن فعل جدید می سازیم ، مانند : آواز خواندن ، ترانه خواندن ، شعر خواندن و ...

اما در تفکر آلمانی افعال اینگونه ساخته نمی شوند بلکه اسم را می آوریم و بعد همان فعل اصلی را مورد استفاده قرار می دهیم ، مثلا : یک آوازی را خواندن ، یک ترانه ای را خواندن ، یک شعری را خواندن و ...

در تفکر آلمانی یا زبان آلمانی ، ما معمولا افعال جدا شدنی را با حروف اضافه ترکیب می کنیم و از آنها فعلی با مفهوم تازه تر می سازیم!

و اما مثال برای فعل lesen :

Hast du das Buch gelesen?

تو آن کتاب را خوانده ای ؟

در اینجا فعل lesen به معنی خواندن ، یعنی چیزی را برای خودت خوانده باشی یا به طور سطحی آنرا خوانده باشی یا مطالعه کرده باشی

حال ما در زبان آلمانی همانند فارسی می توانیم چیزی را بلند بخوانیم ، چیزی را آهسته بخوانیم ، چیزی را سریع بخوانیم یا اینکه چیزی را آرام

Laut lesen بلند خواندن

Leise lesen آهسته خواندن

Schnell lesen سریع خواندن

Langsam lesen آرام خواندن

چند مثال دیگر :

lesen lernen

خواندن یادگرفتن

Das Kind kann schon lesen

آن بچه (دیگه) می تواند بخواند

Abends im Bett noch lesen

سرشب ها همچنان در تخت مطالعه کردن

Ich kann deine Schrift nicht lesen

من دست خط تو را نمی توانم بخوانم

نکته : فعل lesen را می توانیم به همراه حروف اضافه über, aus, von, in, an, zu مورد استفاده قرار بدهیم.

دیدید در فارسی می گوئیم : درباره آن خوانده ام ، یا چیزی از آن را خوانده ام یا در آن کتاب خوانده ام ، در زبان آلمانی نیز به همین صورت است.

über etwas lesen درباره چیزی خواندن

von etwas lesen چیزی از آن خواندن

in etwas lesen در چیزی خواندن

an etwas lesen پیرامون یا اطراف چیزی خواندن

zu etwas lesen به مناسبت چیزی خواندن ، به وسیله ی چیزی خواندن

aus etwas lesen از چیزی خواندن

نکته : zu etwas lesen معمولا در تفکر فارسی خیلی مورد استفاده قرار نمی گیرد ، اما در تفکر آلمانی چرا

میدانید که هرگاه حروف اضافه ما با افعال یا صفت های ما ترکیب می شوند ، آنگاه ما با da و wo نیز حتما سرکار خواهیم داشت ، مثلا برای فعل lesen ما با über, von, aus, in, an, zu در ارتباط هستیم. پس این حروف اضافه و واژگان پرسشی زیر را باید به هر حال یک جایی مورد استفاده قرار بدهیم.

Wovon? واژه پرسشی - از چه چیزی ؟

Davon حرف اضافه - از اون ، از آن

Worüber? واژه پرسشی - درباره چه چیزی ؟

Darüber حرف اضافه - درباره آن ، درباره اون

و دیگر حروف اضافی که در این درس نام بردیم به همین صورت

مثال :

Ich habe darüber etwas gelesen

من درباره آن چیزی خوانده ام

Ich habe davon etwas gelesen

من از اون چیزی خوانده ام

اما این در زبان آلمانی تمام ماجرا نیست ، بلکه همانطور که در ابتدای درس گفتم ، در زبان آلمانی برای هر کاری باید فعل مخصوص به خودش را مورد استفاده قرار بدهیم. که در ادامه به تک تک آن فعل ها در ارتباط با مفهوم خواندن ، توضیحاتی خواهم داد

حالت اول :

فرض کنید که من چیزی را می خواهم با دقت به همراه تمام جزئیات آن بخوانم یا اینکه من می خواهم تمام بخش های یک متن را بخوانم ، در آن صورت می بایستی فعل lesen با پیشوند durch ترکیب شود تا فعل جداشدنی durchlesen را بسازد و جدا از آن ، مفهوم تازه تری نیز به فعل خواندن ببخشد.

فعل جدا شدنی durchlesen

تمام متنی را خواندن ، بدون تعمق خواندن

گذشته ساده : lasen durch

گذشته کامل : haben durchgelesen

مثال :

Ich habe das Buch durchgelesen

من آن کتاب را مطالعه کرده ام

اما این مطالعه کردن در ذهن آلمانی زبان ها یک مطالعه ساده نیست بلکه به خاطر وجود durch در فعل ، آنگاه این تصویر را نیز به همراه دارد ، که من آن کتاب را با تمام جزئیات و با دقت یا به قول خودمان مو به مو خوانده ام

Ich habe den Brief zweimal durchgelesen

من آن نامه را با تمام مطالب یا جزئیاتش دوبار مطالعه کرده ام یا خوانده ام

حالت دوم :

وقتی من بخواهم متنی را برای کسی با صدای بلند بخوانم یا نه اصلا بخواهم یک متن را برای یک جمع با صدای بلند بخوانم ، آنگاه باید در زبان آلمانی فعل جداشدنی vorlesen را مورد استفاده قرار بدهم

vorlesen

از روی چیزی خواندن ، برای دیگران قرائت کردن ، با صدای بلند خواندن

گذشته ساده : lasen vor

گذشته کامل : haben vorgelesen

نکته : تمام حروف اضافی که با lesen مورد استفاده قرار میگیرد با دیگر افعال جداشدنی که با lesen می سازیم نیز به همین صورت است.

مثال :

Jemandem einen Brief vorlesen

برای کسی یک نامه ای را قرائت کردن ( با صدای بلند که بشنود )

Jemandem eine Zeitungsnotiz vorlesen

برای کسی یک مقاله در روزنامه ای را قرائت کردن ( با صدای بلند خواندن )

lies mal vor, was auf dem Zettel steht!

تفکر آلمانی : بلند بخوان! چه چیزی در آن برگه واقع است

تفکر فارسی : بلند بخوان ببینیم چه چیزی توی اون برگه نوشته شده!

حالت سوم :

وقتی من بخواهم از روی چیزی اعدادی را بخوانم ، مثلا از روی کنتور یا از روی بارکد و ... آنگاه باید از فعل جدا شدنی ablesen استفاده کنم.

ablesen

طرز کارکرد یک دستگاه را خواندن ، از جایی یک شماره یا یک عددی را خواندن ، از روی چیزی خواندن ، روخوانی کردن

گذشته ساده : lasen ab

گذشته کامل : haben abgelesen

مثال :

Der Redner liest ab

آن نطق را روخوانی کردن

Den Stromzähler ablesen

روش کارکرد کنتور برق را خواندن ( منظور اعدادی که روی کنتور برق است را بخوانیم ، مثلا برای مامور برق )

Jemandem jeden Wunsch von den Augen ablesen

از چشمان کسی هر آرزو یا رویایی را خواندن

حالت چهارم :

فرض کنید من یک کتاب را برداشته ام و دارم عکس هایش را می بینم یا همینجوری صفحاتش را ورق میزنم و به چیزهای ارزش میخوانم ، آنگاه در این حالت باید فعل جداشدنی überlesen را استفاده کنم.

überlesen

کتاب یا مجله ای را ورق زدن و آنرا به طور سطحی خواندن ، نکته ای را هنگام خواندن متوجه نشدن ، از روی موضوعی بی آنکه به آن پی برده شود رد شدن

گذشته ساده : überlesen

گذشته کامل : haben überlesen

مثال :

Einen Brief noch einmal überlesen

یک نامه را بار دیگر خواندن

اما این بار دیگر خواندن این تصویر را به همراه دارد که آن نامه یکبار خوانده اید اما متوجه نشده اید و یا از روی موضوع های آن بی آنکه پی ببرید که چه چیزی است رد شده اید.

Bei der Korrektur Fehler überlesen

هنگام تصحیح اشتباهات نکته ای را متوجه نشدن

حالت پنجم :

فرض کنید شما در حال خواندن هستید و من باعث می شوم مطالعه شما قطع شود ، آنگاه شما با من در حال گفتگو می شوید بعد حرفمان که تمام می شود ، من می گویم : به خواندن ادامه بده یا اینکه تو می توانی به خواندن ادامه بدی.

weiterlesen

به خواندن ادامه دادن

گذشته ساده : lasen weiter

گذشته کامل : gaben weitergelesen

مثال :

Du kannst jetzt dein Buch weiterlesen

تو می توانی اکنون به مطالعه کتابت ادامه بدی

چنانچه شما نیز در ارتباط با این درس ، سوال ، مثلا یا نظری دارید . می توانید آنرا در بخش نظرات همین درس درج کنید.

موفق باشید.